



حجیت قول معصوم بر عقل در تعارض ظاهری میان عقل و شرع

: در تعارض ظاهری بین تفاسیر روایی و عقلی، قول معصوم (ع)، البته به شرطی که از حیث دلالت و سند صحیح بوده و شرایط حجیت در آن احراز شده باشد، بر قول و فهم عقل حاکم است و حتی اگر با عقل هم معارضت ظاهری داشته باشد، حجت است.

در تعارض ظاهری بین تفاسیر روایی و عقلی، قول معصوم (ع)، البته به شرطی که از حیث دلالت و سند صحیح بوده و شرایط حجیت در آن احراز شده باشد، بر قول و فهم عقل حاکم است و حتی اگر با عقل هم معارضت ظاهری داشته باشد، حجت است.

حجت الاسلام و المسلمین محمد اکبری، رئیس دانشکده علوم قرآنی ملایر، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره ارزش و جایگاه تفسیر روایی یا مآثور و نیز شواهدی (از قرآن و روایات) دال بر تأیید این شیوه تفسیری پرداخت و اظهار کرد: هم در قرآن و هم در کلام معصومین (ع) تأکید شده که ضرورت دارد قرآن را - در مرحله نخست - پیامبر (ص) و جانشینان او یعنی ائمه معصومین (ع) تفسیر و تبیین کنند و دقایق، حقایق، اشارات، لطایف و معارف ناب آن را به مردم تبیین و ابلاغ کنند.

وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به این‌که ذیل برخی از آیات قرآن ممکن است روایاتی نقل نشده باشد، آیا می‌توان تفسیر مآثور را به مثابه یک تفسیر مستقل در نظر گرفت؟ عنوان کرد: در عین این‌که تفسیر روایی اصیل‌ترین و باسابقه‌ترین شیوه تفسیر قرآن است؛ اما ما نمی‌توانیم آن را به عنوان یک تفسیر مستقل و بی‌نیاز از تفسیر عقل محسوب کنیم.

این محقق و پژوهشگر در بیان علت این مطلب گفت: با وجود اختلافی که بین علما در تعداد روایاتی که در ذیل آیات شریفه قرآن (شامل شش‌هزار و اندی آیه) آمده است، قدر متیقن آن است که در ذیل بسیاری از آیات قرآن روایتی از پیامبر (ص) یا ائمه معصومین (ع) در تفسیر آنها نیامده است؛ بنابراین نیاز به اجتهاد، عقل و روش‌های دیگر داریم و نمی‌توانیم با اکتفای به این روش تفسیری خود را از روش‌های دیگر تفسیر قرآن بی‌نیاز بدانیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به این سؤال که آیا اختلاف ظاهری که بعضاً میان عقل و نقل مطرح بوده، می‌تواند بین تفاسیر روایی و عقلی مطرح باشد؟ گفت: این اختلاف و تعارضی که بین عقل و نقل وجود داشته، ممکن است در تفسیر روایی نیز مشهود باشد، ولی این تعارض را می‌توان برطرف کرد. روایاتی که در اختیار ماست اصول و مبانی خاص خود را دارد و در واقع باید از فیلتری عبور داده شود تا ما آن روایت را حجت بدانیم و بتوانیم با آن کلام خداوند را تفسیر کنیم.

در عین این‌که رجوع به تفسیر روایی بسیار شیوه متین و پسندیده‌ای است، اما اکتفای بدان آفت‌هایی نیز دارد که یکی از آنها عبارت از وجود روایات ساختگی و جعلی است که از مهم‌ترین مشکلات این روش است

رئیس دانشکده علوم قرآنی ملایر افزود: پس با توجه به این مطلب ما هر روایتی را نمی‌توانیم قبول کنیم و تنها روایاتی را که شرایط حجیت را داشته باشند، می‌پذیریم. چنانچه روایتی از معصوم (ع) از حیث دلالت و سند صحیح بود و شرایط حجیت در آن احراز شد، حتی اگر با عقل هم معارضت ظاهری داشته باشد، حجت است.

وی در تشریح این مطلب گفت: برای نمونه ممکن است عقل امکان معراج جسمانی یا اعاده معدوم را نفی کند، اینجا این روایت چون کلام معصوم و تلقی از وحی است، حاکم بر فهم و درک عقلی انسان است. شعاع عقل محدود است و تا شعاع خاصی می‌تواند حقایق و معارف را دریابد. اما شعاع درک و فهم شرع نامحدود است؛ چون منتسب به خداوند متعال و ذات اقدس الهی است.

حجت الاسلام اکبری با بیان این‌که بنابراین در تعارض بین عقل و شرع زمانی که حدیث دارای شرایط حجیت باشد، قول امام معصوم (ع) بر قول و فهم عقل حاکم است، در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: در مواجهه با تفسیر روایی سه مسلک مطرح بوده است: نخست مسلک اخباریان است که راه افراط را پیموده و معتقدند که قرآن را فقط و فقط با روایت باید تفسیر کرد و بس؛ و عقل ما توان فهم و درک تفسیر قرآن را ندارد.

وی اضافه کرد: مسلک دوم قائلند به این‌که ما اصلاً نیازی به روایات و اخبار پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نداریم و عقل ما مستغنی از این روایات و اخبار است؛ اینها نیز راه تفریط را رفته‌اند. مسلک سوم که بهترین و کامل‌ترین مسلک است، در حقیقت عبارت است از این‌که عقل و نقل مکمل یکدیگر در تفسیر قرآن هستند؛ یعنی ما می‌توانیم هم از عقل و هم از شرع در تفسیر قرآن استفاده کنیم.

این محقق و پژوهشگر در نقد و بررسی مسلک طرفداران تفسیر روایی محض که معتقدند قرآن را فقط باید با روایت و اخبار تفسیر کنیم و لا غیر، بیان کرد: باید به اینها گفت که در عین این که رجوع به چنین شیوه‌ای در تفسیر قرآن بسیار متین و پسندیده است، اما اکتفای بدان آفتهایی نیز دارد که یکی از آنها عبارت از وجود روایات ساختگی و جعلی است که از مهم‌ترین مشکلات این روش است.

وی عنوان کرد: گفته‌اند که شخصی به نام ابوهریره که تنها يك سال و نه ماه پیامبر(ص) را در مدینه درك کرده بود، بیش از تمام صحابه از ایشان روایت نقل کرده و پیداست که بسیاری از روایات او از نوع تدلیس، کذب و ساختگی بوده باشد و خود اهل سنت هم به این مطلب اذعان کرده‌اند که بسیاری از روایات موجود، ساختگی و جعلی است.